

اندیشه نیک



بشون

شماره ۹

سال اول

واژه

آذر

واژه آذر در اوستا و فرس باستان آtar و در پهلوی آtor و در فارسی آذراست که معنی آتش میباشد. آذر فرشته نگهبان آتش است و اردیبهشت امشاسپند نیز از نقطه نظر مادی فرشته پاسبان آتش بشمار میرود روز نهم هر ماه و ماه نهم هر سال بنام آذر معروف است کلمه آتریانگان یا شهر آذر با بجان نیز از همین واژه آذر گرفته شده است فصل ۶۲ یسنا که فقرات ۱-۱۰ آن بنام آتش نیایش موسوم است در توصیف آتش و فرشته آذر میباشد در گاتها، ذامبادیشت فروردین یشت، هفت ها، سپروزه بزرگ و کوچک و سایر قطعات اوستا از این فرشته ذکر شده است آتش نه فقط در نزد آریاییهای قدیم مورد تکریم و ستایش بوده بلکه کلیه قبایل وحشی و ملل متقدم قدیم این عنصر را محترم میشمرده اند. آتش در نزد ایرانیان و هندوان مقام بسیار مهمی را داشت و پیشوایان مذهبی هر دو ملت بنام آتروان atarvan یا اتوروان معروف بود زیرا وظیفه مهم این طبقه حفاظت و روشن نگه داشتن آتش بود. رومیهای قدیم آتش را در معبد و ستال Vestal همیشه روشن نگه میداشتند و دوشیزه ای که به وستال Vestalis یا خادم معبد و ستا معروف بود موظف بود مدت سی سال از آتش مقدس پرستاری نماید زیرا رومیان معتقد

بودند که باز روشن نگه داشتن آتش شهر آنها از شر دشمن مصون مسانده و آتش مقدس آنها را پشتیبانی خواهد نمود.

هندوها آتش و پروردگاران را هر دو آگنی Agni می نامیدند و بآن توجه مخصوصی داشتند ولی نظر باینکه مطابق آئین مردیسا آنچه مفید و خوبست از طرف اهورامزداست و باید در نیکو داشتن و اجتراب بآن اهتمام ورزید ایرانیان نسبت بآتش علاقه مخصوصی پیدا کرده و آن را موجبیت ایزدی میشردند و شعلاش را مظهر نور الهی تصور میکردند و بدین جهت آذر مقدس را قبله و آتشکده را برستشگاه خود ساختند. احترام فوق العاده ایرانیان را نسبت باین عنصر مقدس از یسنا، آتش نیایش و سایر قسمتهای اوستا میتوان درک کرد. در یسنا ۲۵ قفره ۷ آمده است.

«آذر بسر اهورامزدارا ما میستایم ترای آذر مقدس و بسر اهوراهزدا و سرور راستی ما می ستایم همه اقسام آتش را ما می ستایم»

ایرانیان عهد هخامنشی مهر و ناهید و آذر را از سایر ایزدان برتر دانسته و بآنها سوگند یاد میکردند مخصوصاً مهم ترین سوگند خود را در مقابل شعله فروزان آتش مقدس یاد میکردند و اغلب ییگناهی اشخاص منهم

را با آزمایش بوسیله آتش یعنی گذاشتن از روی آتش و نکه داشتن آنرا در دست ثابت میکردند فردوسی در شاهنامه مینویسد که سیاوش برای رد اتهامات «سودابه» زن پدر خائن خود با آتش مقدس توسل جست مردانه گام در آن نهاد و بی آنکه کمترین آسیبی باورسد از آتش بیرون آمد قسم خوردن بسوی چراغ که از سنن ایران باستان است هنوز هم بین ایرانیان بجای مانده است بطوریکه ایرانیان هنوز هم یادیدن چراغ و روشنائی بی اختیار بآن تعظیم مینمایند و بسوی سلبیان قسم یاد میکنند.

در زمان هخامنشیان و ساسانیان آتشکده های معظم و مهمی در شهرهای مختلف ایران ساخته شده بود که آتش مقدس در آنها همیشه میسوخت و انواع جواهرات و اشیاء نفیس و گرانبها در دویوار آتشکده را زینت میداد پادشاهان در موقع مراجعت از جنک تحف و هدایائی به آتشکده تقدیم مینمودند هنگام جنک آتش را که در آتشدان نقره میسوخت در جلو سپاهیان حرکت میدادند و یقین داشتند که فرشته آذر جنگجویان را دلیر ساخته و آنها را در کارزار فیروز خواهد ساخت احترام ایرانیان نسبت بآتش نه فقط از این نظر بود که برای آنها خوراک میبخت، در ساختن اسلحه بآنها کمک میکرد و از سرمای زمستان آنها را محافظت مینمود بلکه برای این هم بود که در رسانیدن خبر بقاطع دور دست آنها مورد استفاده قرار میدادند. ایرانیان در مسافتهای عمیق برجهای بلندی ساخته و پاسبانانی در آنها گذاشته بودند و هرگونه اتفاق و خیر مهمی را بوسیله روشن کردن آتش در بالای برج باعلامات مخصوص بیکدیگر و خلاصه بمرکز میرساندند و بهین منظور هر شهری را که تسخیر میکردند فوراً برج بلندی در آن شهر ساخته و مأمورینی چند در آن میگماردند تا در موقع لزوم بوسیله آتش اخبار مهم را بمرکز بفرستند.

ایرانیان سعی داشتند هیچ آتش را با کثافت آلوده نسازند و یغتن آب و بلندی را در آتش گناهی عظیم مینمودند طبقه اتورثان که حافظ آتش بودند در موقع نیاز و ستایش در مقابل آتش پارچه سفیدی بنام «پنام»

Panâm جاو دهان میآویختند تا بخار دهن و تنفس آنها آتش را آلوده نسازد راجع باین موضوع هر دوت تاریخ نویس یونانی می نویسند که سوختن لاشه در آتش نزد ایرانیان گناه است و استرابون نیز این عقیده را تأیید کرده اضافه میکند که نفس رسانیدن بآتش بقیعه ایرانیان جرم است.

بنا بر فقرات ۵ و ۶ آتش نیایش و تفسیر پهلوی آن و همچنین، فصل ۱۷ بندهش که بتفصیل از اقسام آتشها سخن گفته است معلوم میگردد که در ایران قدیم سه نوع آتش بوده که هر کدام مخص طیفه ای از مردم ایران بوده است - آتشهای مزبور بنا بر ترتیب اهمیت بقرار زیر بودند:

۱ - آتش آذر گشسب مخص پادشاهان و ارتشداران با جنگجویان.

۲ - آتش آذر فرو یا فرن بیغ مخص اتورثانان با پیشوایان دین.

۳ - آتش آذر برزین مهر مخص کشاورزان راجع بسجل آذر گشسب و آتشکده معروف آن در تفسیر پهلوی آتش نیایش چنین ذکر شده است:

«جای آذر گشسب در کوه اسونند (سهند حالیه) است کار آذر گشسب رزمی است (ارتش تازی است) از اوست که جنک آوران در آنریاتکان (آذر باجان) نیز تر و دلیر تر هستند از او کیبخت و در وهن دیر (پهن دژ) باوری یافت و این آذر گشسب بود که تالید و فریاد کرد نزد هر مزد»

از این عبارات معلوم میشود که آتشکده آذر گشسب در شهر شیز و در آذر باجان محل تولد حضرت زرتشت بوده و آنرا کیبخترو بنا کرده است این آتشکده در زمان قدیم فوق العاده معروف و زیارتگاه مهم سلاطین بشمار میرفته عیبه الدین خرد اذبه در کتاب خود موسوم به المسالك و المسالك از شهرهای مهم آذر باجان صحبت داشته و شهر شیزر محل آتشکده آذر گشسب (آذر گشسب) شمرده میگوید این آتشکده نزد مجوسان محترم است و رسم پادشاهان بر این بود که پس از تاجگذاری پیاده از عدا این زیارت این آتشکده میآمدند

چنانکه تاریخ نشان میدهد پادشاهان ساسانی قبل از رفتن بجنک اول بزیارت این آتشکده رفته و از آذر گشسب کمک و یاری می طلبیدند و بعد از جنک نیز هدایای گرانبها و جواهرات قیمتی را باین پرستشگاه تقدیم میکردند فردوسی میگوید بهرام گور پیش از آنکه بجنک خاقان رود در آذربایجان بآتشکده آذر گشسب رفت و پس از آنکه بجنک رفته و خاقان را شکست داد بآتشکده برگشت مراسم سپاسگذاری را در پرستشگاه بجای آورد و از معانی نیز بآذر گشسب تقدیم کرد.

بفرمود تا تاج خاقان چین

به پیش آورد موبد باک دین

کهرها که بود اندران آزده

بکنند دینوار آتشکده

بزر و بگوهر بیاراستند

سر تخت آذر به بیاراستند

خلاصه میتوان گفت آتشکده آذر گشسب کنجینه ای از آثار گرانبها و خزانه ای از جواهرات بود که هراکلیوس (هرقل) امپراطور روم پس از شکست خسرو برویز آنها را بفارت برد (رجوع شود به پشته چلد دوم تألیف دانشمند محترم آقای بور داود مقاله آذر گشسب)

دومین آتشکده با آذر فرن بگ در کاربان فارس از آتشکده های معروف و زیارتگاه مشهوری بوده است ولی بشکوه و عظمت آذر گشسب نرسیده است بنا بتفسیر بهاءوی آتش نیایش نگهبانی پشته پیشوائی (آتر بانی) یا این آتش است جای این آتشکده در تفسیر بهاوی معین شده است.

سومین آتشکده مهم آذر برزین مهر در ریوندایالت خراسان بوده از این قرار :
«جای آذر برزین در کوه ریوند است کار (آذر برزین مهر) کشاورزی است از باوری این آتش است که کشاورزان در کار کشاورزی داناتر و شمشاتر و پاکیزه تر (سنگ جامک تر) هستند»

گذشته از این آتشیهای مینوی معروف، در اوستا یسنا ۱۷ فقره ۵ از پنج قسم آتش اسم برده است که عبارتند از برزی سونگه - و هورفریان - اوروازیشت و ازیشت - سبیشث معانی آتش های مزبور بنا بتفسیر بهاوی همین فقره ۵ از یسنا ۱۷ چنین است (۱) بزرگترین آتش یا آتش بهرام (۲) حرارت غریزی انسان (۳) آتش رستنی ها و چوبها (۴) آتش برق (۵) آتش عرش جاویدان که در مقابل اهورامزدا افروخته است. زرتشتیان بقدری در احترام بآتش مقدس زیاده روی کردند که برخی ندانسته آنها را آتش پرست خواندند ولی چنانکه فردوسی در شاهنامه گفته است ایرانیان آتش پرست نبوده و ایزد یکنارا می ستایند

یکپفته بر پیش بزدان بدند

میندار کاتش پرستان بدند

که آتش بدانگاه مهراب بود

پرستنده را دیده پر آب بود

در خود یسنا ۳۶ (هفت ها) فقره اول آذر واسطه

تقریب بدرگاه ایزدی قرار داده شده است آتش واسطه بین بندگان و پروردگار اوست

(برای اطلاع بیشتر رجوع شود بکتاب پارسیان اهل کتاب تألیف دانشمند هندی آقای رضوی).

جشن آذر گمان : جشنی است که در روز نهم و ماه نهم سال بمناسبت یکسان بودن نام روز و ماه برگزار میشود در این روز اغلب پارسیان هند بآتشکده رفته و با احترام فراشته آذر آتش نیایش میکنند.

جشن فروردگان ثانی : این جشن در روز ۱۹ ماه آذر برگزار میگردد پارسیان هند برای یاد آوری گذشتگان خویش در این روز بر سر مزار مردگان خود رفته صندل و خوشبو آتش میگذارند و آسایش روح نیاکان را از اهورامزدا خواستار میشوند اشعاصی که تاریخ و فائشان بواسطه عللی نامعلوم غیر محقق باشد روز و ماه وفات راهمین روز ۱۹ و ماه نهم میگیرند این جشن در ایران متروک شده ولی در هندوستان بین پارسیان معمول است.

1) Gita

2) Tan - ف آذر گشسب

3) Kaharp - کالدر و جامی

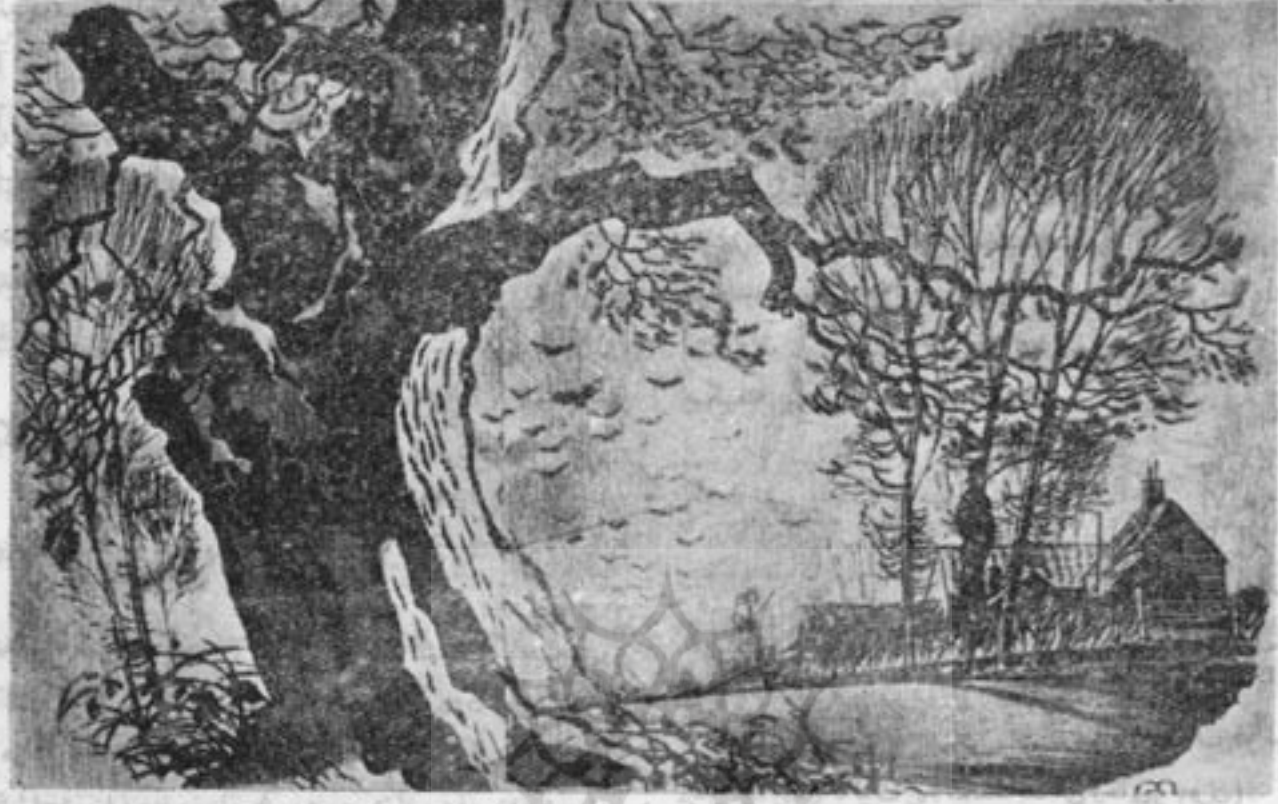
4) Orvan - کوه ریوند

5) Fravahri - فرهوشی

6) Tavediish - آتوز و هوس

کتابخانه عمومی دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
کتابخانه تخصصی ادبیات و تاریخ
کتابخانه تخصصی فلسفه و حقوق
کتابخانه تخصصی علوم انسانی
کتابخانه تخصصی علوم طبیعی
کتابخانه تخصصی علوم ریاضی و فیزیک
کتابخانه تخصصی علوم پزشکی
کتابخانه تخصصی علوم هنر و معماری
کتابخانه تخصصی علوم اجتماعی و سیاسی
کتابخانه تخصصی علوم اقتصادی و مدیریت
کتابخانه تخصصی علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات
کتابخانه تخصصی علوم نجوم و فضا
کتابخانه تخصصی علوم باستان‌شناسی و تاریخ

کتابخانه عمومی دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
کتابخانه تخصصی ادبیات و تاریخ
کتابخانه تخصصی فلسفه و حقوق
کتابخانه تخصصی علوم انسانی
کتابخانه تخصصی علوم طبیعی
کتابخانه تخصصی علوم ریاضی و فیزیک
کتابخانه تخصصی علوم پزشکی
کتابخانه تخصصی علوم هنر و معماری
کتابخانه تخصصی علوم اجتماعی و سیاسی
کتابخانه تخصصی علوم اقتصادی و مدیریت
کتابخانه تخصصی علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات
کتابخانه تخصصی علوم نجوم و فضا
کتابخانه تخصصی علوم باستان‌شناسی و تاریخ



آذر

بر خیز و بده می چو آذر

ای ماه رسیده ماه آذر

ز آذر صنما بهام آذر

آذر بفروز و خانه خوش کن

ور شاخ بماند زود بی بر

گر باغ بماند ساده بی گل

« معبود سعد سلمان »